

آقای کرزی! آیا صدای ملت رامیشنوید؟؟؟

استاد (صبح)



نویسنده، مؤرخ، ادیب، شاعر و تحلیلگر مسایل ملی و بین المللی



محترم رئیس جمهور! چرا انگشت ملت بطرف تو نشانه گرفته میشود؟، زیرا شما باید درد دل، حرفهای ناگفته، غم و اندوه ملت، مصیبت و مشقت مردم ستمدیده، تاراج و وحشیگری های زورمندان و جنگ سالاران، چور و چپاول ملی، فساد و قانون گریزی، ستمکاری و بی بند و باری زورگویان، قتل و کشتار جنگ افروزان و ناقضین حقوق بشر را مورد بازپرس و بازخواست قرار بدهید. تا زمانیکه از صمیم قلب و بدون تظاهر و ریا، به این جنایت رسیده گی ننمایید و ملت شمارا رها نخواهد کرد و از قضاوت فردای تاریخ نیز در امان نخواهی بود. اکنون صلاحیت با شماست که چه می خواهید انجام بدهید.

در واقعه ای خوف خون می ریزد

از زخم تن حروف خون می ریزد

تن پوش تمام کلماتش زخم است

از هر ناله ی اوف خون می ریزد.

جلالتمآب رئیس جمهور، همیشه با خود محاسبه و می اندیشم که تا اکنون دهها اعضای دولت حاضر به استعفا شده ولی شخص جناب عالیقدر هیچکدام از تقاضا ها را نپذیرفته اید، و چرا بدون اسناد و مدارک قناعت بخش آقای قادری وزیر مبارزه با مواد مخدر را تشویق و ترغیب غیر مستقیم به استعفا و ادار ساخته اید و یا ساخته اند. آیا در دولت چند نفر از اعضای کابینه همچو وی دارای تحصیلات عالی و

تجارب فراوان کاری اند؟؟؟. نشریه های گوناگون در مورد بیوگرافی آقای «قادری» نوشته اند، انجنیر حبیب الله «قادری» از لیسه احمد شاه بابا در قندهار فارغ گردیده و تحصیلات عالی را در هند به پایان رسانده و در پستهای - سر مشاور وزارت امور مهاجرین همچنان عضو کمیسیون سه گانه افغانستان، ایران و ملل متحد، رئیس مجالس گروپ مشورتی بازگشت کننده گان و بی جا شده گان و وی دوازده سال همکاری با یو - ان - اچ - سی - ار و استاد در دانشگاه نبراسکا آمریکا و بار اخیر نیز وزیر مبارزه با مواد مخدر بوده اند که در اثر فشار قاچاقچیان مواد مخدر و زورگویان و سلاحداران بر دولت مجبور به استعفا و از کشور بیرون میشوند. چرا سیاست یک بام و دو هوا در نظام زیر اداره تان حکمفرماست؟؟؟ من مشت نمونه خروار آقای قادری را نوشته ام و در آینده اشخاص همچون، بشردوست، میراحمد جوینده قبلاً وکیل در پارلمان، پروفیسور داکتر موسی وردگ، پوهاند داکتر رزاق سیاوش، جنرال داکتر سهیلا صدیق وزیر صحت عامه در حکومت موقت، جاوید لودین سفیر یکم ساله در کانادا، سید امین فاطمی وزیر با انرژی و خلاق صحت عامه و در همین مقطع زمانی تقرر موصوف بحیث سفیر در جاپان مفید است و یا وزیر صحت عامه میبودند؟، دهها و صدها شخصیت ملی و دلسوز که متخصص و با تجربه در امور کاری و مسلکی اند، مفصلتر خواهم نوشت. ملت از شما توقع دارد تا نظام کنونی را با کادرهای ملی که هیچگونه وابستگی و روابط تنظیمی نداشته باشند آشتی بدهید تا هم لعل بدست آید و هم دل یار نرنجد.

حاکم کشور و مواظبت از مردم

می گویند یعقوب لیث صفاری جوانمردانه ساده زیست و با صدق و صفازنده گی نمود. روزی در میدان شهر گردش می کرد و درد دل ها و شکایات مردم را می شنید و اقدامات لازم را درباره احقاق حقوق ایشان انجام می داد. یکی از ساکنان شهر که به شدت گرفته و غمگین بود، از یعقوب خواست به شکایت او به تنهایی گوش بدهد.

یعقوب همه سربازان و درباریان را از خود دور کرد و به مرد گفت مشکل خود را بگو. مرد با ناراحتی گفت: یکی از فرماندهان تو شبانگاهان به خانه دختر من می آید و مزاحم او می شود. در ضمن ما را تهدید کرده، در صورت شکایت ما را می کشد.

یعقوب گفت: بسیار خوب! من یک نگهبان به خانه تو می فرستم. او را در جایی مخفی کن. به محض ورود آن فرمانده و ایجاد مزاحمت فقط ورود او را به شخصی که من فرستاده ام، خبر بدهید.

آنگاه در آغاز شب پیره داری با سر و روی پوشیده به منزل آن مرد رفت و در جایی پنهان شد.

وقتی آن فرمانده آمد و تقاضای بد خود را تکرار کرد، فرستاده لیث صفاری از مخفی گاه بیرون و فرمانده متجاوز و خطاکار را سر برید.

مرد شاکی از فرستاده لیث به شدت تقاضا نمود که خود را معرفی کند.

وقتی نقاب از چهره برداشت، آن شخص یعقوب لیث بود. بلی! آن فرستاده خود یعقوب بود که شخصا کمر به مجازات متجاوز بسته بود. یعقوب گفت: وقتی تو این شکایت را برای من مطرح کردی، من خواب و خوراک را بر خود حرام کردم تا از تو رفع ستم و مزاحمت نکنم، لب به آب و غذا نزنم. اکنون کمی آب و غذا بیاور تا بخورم.

چرا آقای کرزی! بر همه جرم و جنایت سرپوش میگذارید؟؟؟



هردل که نیست در غم ملت شکسته باد عهده‌ی که نیست ضامن وحدت گسسته باد
هردرکه گشت لانه سوداگران دین بر روی محمد و قرآن او بسته باد

آگاهان متعقد اند، تامین امنیت مطمئن، برگشت ابرومندانه نظامیان خارجی مقیم کشور و زنده گی آرام برای مردم اروپا و آمریکا، از یکطرف کوتاه ساختن دست جنایتکارانی که در آغوش کرزی لمیده اند و برسرنوشت ملت مظلوم ما با در اختیار داشتن پستهای وزارت، معینیت و ولایت و از جانب دیگر بدون کوبیدن پایگاه های امن طالبان و القاعده در آنسوی مرز، در پاکستان که زیر نظر ملا عمر، مولوی حقانی و گلبدین حکمتیار فعال اند، امکان نخواهد داشت. به همین دلیل رئیس جمهور اوباما در نامه ای به رهبران پاکستان نوشت که حمایت برخی از حلقات و عناصر در این کشور از شورشیان را بیش از این تحمل نمی کند. نخست وزیر بریتانیا، نیز این سوال را با آصف علی زرداری رئیس جمهور پاکستان مطرح کرده است که چرا طی سال های گذشته سر نخ و ردیابی از دو رهبر تحت تعقیب القاعده، اسامه بن لادن و ایمان الظواهری به دست نمی آید.

افغانستان سرزمین دودآتش باگذشت نزدیک به یک دهه باوجود موجودیت صدوپنجاه هزارنظامیان کشورهای مختلف جنگ، فساد، بی عدالتی، زورگویی، بی بندوباری، مردم آزاری، چپاولگری، قوم ستیزی. .. همچنان درکشوربیداد میکند. ملت بادر نظر داشت میلیاردها دالرکمک جامعه بین المللی و پشتیبانی و حضور نظامی، سیاسی، اقتصادی واجتماعی جامعه جهانی، انتظارات بیشتر را داشتند و اما دولت کرزی وائتلافیون تنظیمی وگروپی باکم کاری وروزگزرانی عملاً همه راناامید و سرخورده نموده اند. مشکلات زیادی وجود دارد و حتی بعضی مسایل نه تنها که کاهش نیافته بلکه بطور نگران کننده ی رو به افزایش بوده اند. دولت در امر مبارزه با مواد مخدر تاکنون موفق نبوده و کشت و قاچاق مواد مخدر همچنان رو به افزایش بوده است. دولت گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر را نادیده گرفته و می رود که این گزارش مهم به فراموشی کامل سپرده شود.

گروه های مختلفی آشکارا حقوق بشر رانقض و با صراحت اعلان کردند که تاکنون کارهای شان سنجیده و درست بوده و بر کمیسیون حقوق بشر اتهام میبندند و دسیسه میچینند. از جمله کارهای که مردم واقعا ناراضی اند مسئله بازسازی و کندی روند آن است. پولهای سرسام آوری وارد افغانستان شده، ولی در قسمت باز سازی کاری چندان نشده است.

فساد اداری در دستگاه دولت به اوج خود رسیده است. همچنین موسسات غیر دولتی که بخشی از امور بازسازی را برعهده دارند اغلب آنها پولهای مردم فقیر و بیچاره را بدون هیچگونه حساب وکنترولی حیف و میل نموده و بقول وزیر سابق پلان رمضان بشر دوست موترهای آخرین سیستم دنیا و لوکس ترین خانه های کابل را این موسسات از پولهای کمک به کشوردر اختیار داشته و مشغول عیش و عشرت اند. ناامنی و خشونت بیشتر شده و در سالهای اخیر بیشتر از گذشته بیداد مینماید. گروههای مسلح شخصی و تنظیمی در همه جا وجود دارند و تهدید بزرگی محسوب میشوند. پروسه خلع سلاح به تاریخ سپرده شدوزورگویان و جنگسالاران باگذشت هرروزبه قدرت بیشتر دست پیدا میکنند و بر سرنوشت مردم حاکم میشوند. فرانسیس وندرل نماینده خاص اتحادیه اروپا در افغانستان، درسمینار افغانستان درپارلمان فنلند اظهار داشتند که ما برای جلوگیری از نقض حقوق بشرمی خواهیم که ناقضین حقوق بشر و جنگسالاران دیگر برسر قدرت نباشند، ولی عملا دیده می شود که جنگسالاران و جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشر در قدرت شریک اند و همچنان برای شرکت عده ی دیگر از آنها مانند طالبان تلاش بخرج داده می شود. طالبان هنوز هم دست از جنایات خود بر نداشته و هرروزبه کشور زیانهای سنگین جانی و مالی می رسانند و امنیت ملی را به خطر می اندازند، ولی رئیس دولت آنان رابرادر میخوانند. ترورئیستان بین المللی، طالبان، حزب اسلامی و افراد فساد پیشه و منفعت طلبت دوباره تجدید قوا کرده و هرروز فاجعه می آفرینند.

مردم مظلوم، خسته از جنگ و تاراج شده، می گویند که خانه های بزرگ با زرق و آسمانخراش های مجلل در پایتخت و ولایات نمونه انکارناپذیر فساد اداری و چپاولگری ملی در دولت می باشد و قصرهای شاهانه و چند منزله با تزیینات خیره کننده در کشور بنام قصرهای چوروچپاول یاد می شوند و به نظر مردم کسانی مالک این قصرها اند که در جنایات و فساد اداری دست دارند. اکثریت این خانه ها در شیرپور اعمار شده اند، که مردم آن راشیرچور و چورپورمسا نموده اند. که با چنین یک فرهنگ چپاولگری و معافیت در رده های بالای حکومت، مردم چه گونه می توانند از این دولت حمایت کنند. غصب زمین ها و اعمار خانه های مجلل و بلند منزل ها به گفته مردم، تیشه طالبان را دسته می دهد و آنها مردم را تشویق می کنند که از چنین یک حکومت فاسد متنفر باشند.

ثروتمند شدن تعداد فساد پیشه و چپاولگر از یکجانب و حاکمیت شرکت های امنیتی و انجوهای داخلی و خارجی شرایط را برای مردم ناممکن ساخته است، داشتن خانه شخصی برای مردم امکان پذیر نیست، زیرا نرخ خانه ها بیش از حد بلند رفته است. از سال دوهزارویک میلادی تا اکنون یعنی بعد از سقوط نظام طالبان، چهل میلیارد دالر کمک به کشور سرازیر شده که صدها ملیون آن برای مصارف خارجی هابه مصرف رسیده و مقدار زیاد دیگر آن به شکلی از اشکال حیف و میل شده است. باوجود همه این فساد و خیانت و نظربه شکایات وارثین قربانیان جنگی، راپور های بی شمار و مکررکمیته حقوق بشر در ارتباط با جنایکاران جنگی و تفنگسالاری و انانی که طی سالیان دراز با قدرت تفنگ از هیچ نوع زور گوهی و ظلم و مردم ازاری چوروچپاول و حتی کشتار ملت ابا نورزیندند.

بخاطر جلوگیری از انتقام گیری های شخصی و زبانی وسیله اقارب و بازمانده گان قر بانیان جنایات جنگی و همچنان بخاطرداد و فریاد مردم درد دیده در ارتباط با محاکمه جنایتکاران جنگی و آنها نیکه قرآن و اسلام را وسیله قدرت و چپاول ملت قرار داده و با فریب و دروغ و ریا کاری نه تنها ملیونها دالرپول جهاد و مقاومت را که حاصل خون ملیونها انسان وطن بود به جیب ریخته و امروز در قطار ملیونرهای دنیا ایستاده اند و بلکه بخاطر قدرت طلبی و زراندوزی و خیانت پیشگی و تشویق و ترغیب بادران خارجی نیز سبب قتل صد ها هزار هموطن بید فاع و بی گناه ما گردیده اند ،

اینان با قتل عام مردم مظلوم، راکتباران شهرکابل و ولایات ، محاصره اقتصادی شهرها، راه گیری، بی عفتی و تجاوز به ناموس مردم، فروش هزاران از خانم بیوه و بی پناه به اعراب برای پول و ثروت، تخریب شهرزیبای کابل و شهادت مظلومانه شصت و پنج تاهشتاد هزار اهالی بی دفاع این شهر، میخ کو بیدنها، سینه بریدنها، درکانتینر سوختاندنها، تیزاب پاشی ها، چهارمیخ کشیدنها، رقص مرده ولواطت اطفال معصوم مظلوم و صدها جنایات دیگر، دولت باید برای تامین عدالت اجتماعی هر یک از جنایتکاران

رابخاطر خیا نتها و جنایات که انجام داده اند مورد پیگرد عد لی و قضایی قرار میداده و برعکس بایشکش نمودن پول و قدرت، سرنوشت مردم مصیبت دیده رابه چنگال خون آلوده آنان سپرده است.

موجودیت سلاح و سلاحداران و سرنوشت حقوق بشر تقویت و تسلط جنگسالاران بی رحم بر زندگی مردم و موجودیت تفکر بنیاد گرایی و تلاش در جهت تحکیم آن، بر علاوه: استبداد طولانی و تاریخی، نظام مرد سالارانه و پدرسالارانه، از هم گسیختگی تاریخی و اجتماعی، فقر شدید و جانسوز، جهل و تعصب و ده ها عامل دیگر، مانع تحقق حکومت مردم سالاری در کشور میگردد.

تعرض خشونت آمیز جنایی - دزدی مسلحانه، اخاذی و آدم ربایی توسط نیروهای نظامی، پولیس و شعیات استخبارات - تعرض بر مطبوعات و فعالان سیاسی، و نقض جدی حقوق انسانی زنان و دختران از دیگر عوامل مصیبت بار اداره فعلی است. نیروهای نظامی و پولیس بالای خانه های مردم از طرف شب یورش برده و اهالی ملکی را تاراج مینمایند. آنها به وسایل گوناگون وارد خانه های مردم میشوند، اعضای فامیل را برای ساعتها گروگان میگیرند، با اسلحه تهدید میکنند، اشیای گرانبهای شان را دزدی مینمایند و گاهی به زنان، دختران و پسران فامیل نیز تجاوز میکنند.

چندی قبل بود رئیس جمهور در مصاحبه ای با مجله آلمانی اشپیگل به فساد زیاد در دستگاه حکومتی و اداری اش اعتراف کرد، ولی با صراحت اعلام کرد که دولتش برای بقا و اداره نسبی کشور ناچار است چشم خود را روی برخی فسادهای جاری در حکومت ببندد. کرزی در توجیه دیدگاهش گفت:

یکی از فرماندهان قدرتمند محلی به هیچ وجه حاضر نمی شد سلاح های خود را به دولت مرکزی تحویل دهد و عملاً ناامنی های فراوانی را در نواحی تحت کنترل خود به وجود آورده بود. ما هیچ چاره ای در برابر آن فرمانده قدرتمند محلی نداشتیم، تصمیم به مذاکره با او گرفتیم و نتیجه مذاکره این شد که دولت مرکزی ماهانه سی هزار دالر به وی بپردازد و در عوض نیروهای مذکور از هرگونه ایجاد ناامنی پرهیز کنند. در واقع از این نوع فرماندهان متمرّد در نواحی مختلف کشور فراوان به چشم می خوردند که دولت مرکزی چاره ای جز باج دهی به آنها ندارد و در غیر این صورت آنها به دشمن می پیوندند.

توسعه روزافزون ناامنی، باعث نگرانی مردم شده آنان را از روزنه های امید به آینده دور می کند. درگیری های دومدار در ولایات، غارت و چپاول شبانه خانه های مردم، زور گویی گروپهای شریک قدرت در دولت، بی احترامی به روشنفکران و کارمندان رسانه ها و ده ها مورد دیگر، از جمله مسایلی است که برای یکبار دیگر امید رسیدن به صلح و آرامش را یاس تبدیل نموده است. این موضوع از يك جهت مردم را وادرا به مهاجرت های داخلی و خارجی کرده و از سوی دیگر باعث عدم بازگشت مهاجرین به کشور می گردد.

مهمتر از همه، بی توجه بی، روزگذرانی، بی نظمی وضعف رطس دولت جامعه جهانی را نسبت به وطن بد بین ساخته آنان را نیز از روند کمک به بازسازی دور خواهد ساخت. علت اصلی جنایات و درگیری های اخیر در کشور، حضور تفنگ سالاران در مناصب و پست های کلیدی کشور است تنها راه حل این مساله برکناری احزاب و گروه های که در گذشته مرتکب قتل، جنایت و چپاولگری شده اند از بدنه دولت می باشد. اکنون که جامعه جهانی عزم بر بازسازی دارد، کاری نکنیم که این عزم به یاس و ناامیدی مبدل شود. بیایید همانگونه که دست های خارجی در تخریت و چند پارچگی کشور نقش اساسی داشتند، امروز که می خواهند جبران کنند، زمینه را برای آنان فراهم نموده بهانه اختلافات درونی آنان در کشور خود نباشیم. بر همه ما کاملاً روشن و واضح است که بعد از سقوط طالبان و با ورود نیروهای آمریکا، تفنگ سالاران محلی جان دوباره گرفته، یکبار دیگر شریک قدرت شدند. این تقصیر مهم، همچنان بر عهده نیروهای خارجی است. زیرا اگر برخی از همسایگان و کشورهای ذی دخل، این ها را کمک نمی کردند، امروز شاهد رشد و جان گرفتن دوباره این ها به نفع برخی از کشورهای خارجی و به ضرر مردم نبودیم. بنابراین لازم است تا نیروهای بین المللی از خود صداقت بیشتری نشان داده با تفنگ سالاران و چپاولگران، برخورد قاطعانه و جدی نمایند. تا بدین وسیله برای مردم ثابت شود که خارجی ها واقعا قصد بازسازی را دارند. برنامه خلع سلاح و ملکی سازی بعد از گذشت سال ها نه تنها نافرجام باقی مانده، بلکه به همه ابعاد و جهات آن رسیدگی لازم صورت نگرفته است. همانگونه که برخی از منابع بین المللی تصریح میدارند، پروسه کنونی دی.دی.آر به دلایل فراوانی، عرصه دشوار و جنجال آفرینی را در آینده، برای کشور به وجود خواهد آورد. متأسفانه این روند همه گروه های تفنگدار مسلح را شامل نشده از یکسو بی امنیتی در کشور کاهش نیافته از سوی دیگر، برنامه ملکی سازی و جمع آوری سلاح، با کند یهای فراوان و مقطعی روبرو گردیده است. ازین گذشته آنچه تاکنون انجام شده، به هیچوجه نتوانسته است در تأمین امنیت و کاهش نیروهای مسلح زورگویی و تاراج در کشور سهم موثری را ایفا کند. آنگونه که منابع بین المللی تأکید دارند، برنامه خلع سلاح تمام تفنگداران را در برنگرفته و قوماندانان محلی در کشور، برای بقای قدرت خویش و برای حفظ زمینه سوء استفاده از جمله قاچاق مواد مخدره، قاچاق آثار باستانی، جنگلات و تصاحب دارایی های دولتی و شخصی بیشتر از هر وقت دیگر فعالیت به نظر میرسد. آنچه بیش از همه قابل اندیشه است، نه تنها در ریشه کن کردن سیستم و شیوه های قوماندان سالاری و حاکمیت تفنگ کار موثری صورت پذیرفته، بلکه بصورت مستقیم و غیر مستقیم در تقویه پایه های سیاسی و قدرت اقتصادی آنان موثریت روا داشته شده است.

در حالیکه در اوضاع کنونی این انتظار موجود بود که در عرصه های تأمین امنیت، بازسازی و قانون مندی، محو فساد اداری و سایر پدیده های منفی کارهای بزرگی انجام میشد اما این مامول ها تحقق نیافته باقی مانده و خواست ملت برای ایجاد یک دولت قوی و نیرومند و پاسدار قانون و تأمین کننده امنیت و ادامه دهنده بازسازی، تأمین کار و رفاه اجتماعی در حال بدل شدن به یأس تلقی میشود. کشور با این همه سلاح و سلاحدار به آتش زیر خاکستر می ماند که هر آن امکان دارد با کوچکترین بی احتیاطی این آتش زیر خاکستر شعله ور گردد و حضور نیروهای جنگ سالار در ادارات مهم امنیتی و سیاسی به این وضعیت بیشتر دامن زده است، اما آیا با مسامحه کاری و میدان دادن به نیروهای جنگ سالار تحت عنوان نیروهای مقاومت و مبارز می توان از این واقعه جلوگیری کرد یا نه؟ بلکه می توان بر دامنه این تهدید نیز افزود. کشور به دلیل دوری از قانون و عدالت اجتماعی به یک جنگل تبدیل شده است که هر کس زور بیشتر داشت همان قدرت حاکم به شمار می رود. تفنگداران با تکیه به نیروی نظامی خویش خواستار هرج و مرج، چور و چپا و ل، زورگویی و بی قانونی اند.

پروسه خلع سلاح، آغاز شد و امیدواریهای را پدید آورد مردمی که طی بیشتر از یک دهه در حاکمیت تفنگ هزاران قربانی دادند و کشور خود را نمایشگاه عظیم انواع سلاح های سبک و سنگین می دیدند، درین آرزو بودند که روزی سایه سیاه تفنگ و تفنگدار را بر بالای سرشان ندیده و این حاکمیت ننگین را برای ابد به گورستان تاریخ دفن نمایند. دولت درین مورد میلیون ها دالر را به باد فنا داد، ولی در ظاهر ارقام های ارایه می گردد که امیدواری های کاذب بی را به مردم میدهد. اما کشتن، بستن، بردن، اختطاف، زورگویی، قاجاق و حشت، بربریت، جنگ های ذات البینی و مردم آزاری با گذشت هر روز وسعت بی سابقه پیدا می نماید.

سال هاست که امریکا و متحدین در کشور حضور دارند اما هنوز هیچ نشانی از ثبات و صلح و امنیت در کشور سراغ نداریم، زیرا پس از سقوط طالبان، باید بدون درنگ به جمع آوری اسلحه اقدام میگردید نه تنها اقدامی نشد بلکه دست تفنگداران در نقض حقوق بشر، حقوق زنان، دامن زدن اختلافات قومی و مذهبی، چور و چپاول با زگذاشته شد. حال نه تنها بر مردم ما بلکه بر اکثر مردم دنیا آشکار گشته است که با وصف حضور نیروهای صدوپنجاه هزاره خارجی و ادعاهای بلند بالای دولت، هنوز هم کشور به عنوان یکی از مراکز فجایع حقوق بشر باقی مانده است، ادامه خشونت علیه زنان، حوادث بیشمار تجاوز، تهدید و ازدواج اجباری توسط افراد مسلح، افزایش بی سابقه خودکشی و خودسوزی زنان، تهدید فامیلها تا دختران خود را به مکتب نفرستند، سوزاندن مکاتب دخترانه، احساس ناامنی زنان در کار بیرون از خانه،

ممنوعیت ظاهر شدن آواز خوانان زن در رادیو و تلویزیون، افزایش زنان و بیوه‌هایی که چاره‌ای جز گدایی و روی آوردن به فحشا ندارند و...

مردم نه تنها خواستار خلع سلاح و حذف نیروهای جنگ سالار هستند، بلکه این راه را تنها راه اعاده امنیت در کشور می‌دانند. حوادث هشت جوزا شهر کابل، کشتار مردم مظلوم شبرغان و سیله افراد مسلح جمعه خان همدرد، گروپ بندی و زورگویی های مسوولین محلی در بلخ، هرات و سایر نقاط کشور به خوبی خطر جنگ سالاران را يك بار ديگر برای مردم خاطر نشان ساخت که يك سوء تفاهم می تواند منجر به کشته شدن بیش از صد ها نفر شود وعده زیادی از مردم را در هول و ترس فرو برد، زندگی زیر سایه يك جنگ سالار هیچ گاه امنیت را برای میهن تامین نخواهد کرد. اگر قدرت جنگ سالاران و باندهای مافیایی مواد مخدر تحت حمایت آنها مهار نشود، شرایط فعلی نه تنها امنیت کشور را به مخاطره خواهد افکند که مشکلات بسیاری را برای نیروهای خارجی پیش خواهد آورد و يك بار ديگر وطن را به کام نیستی خواهد کشاند. هم اکنون دهها هزار ميل سلاح نزد گروپ های مسلح وجود دارد که عامل نا امنی در کشور هستند. اگر سلاح جمع اوری شده باشد، پس اینهمه زورگویی، درگیری، قتل و جنایت چگونه اتفاق می افتند. همین حالا تنظیم های حزب گلبدین، جمعیت ربانی، شورای نظار، اتحاد سیاف، وحدت اکبری، حرکت انوری و محسنی و .. کاملاً مسلح بوده، والیان و قوماندانان امنیه تنظیمی هر يك دهها ميل سلاح در اختیار دارند. سرگروپ ها و بعضی از فرماندهان و مسوولان این تنظیم ها در دولت نیز شرکت داشته ولی سلاحکوت های خود را حفظ کرده اند.

هزاران ميل سلاحی که سال های گذشته در جنگهای شیندند، هرات، بادغیس، غور، فاریاب، بدخشان، مزار، لغمان، نورستان، کنر و هلمند استعمال شد، کجا رفت؟ و چه وقت در آن مناطق خلع سلاح صورت گرفت؟، هزاران ميل سلاح عطا در مزار، سلاح های قوماندان حضرت علی در ننگرهار و لغمان، سلاح و مهمات سلام راکتی در زابل، سلاح و مهمات اسماعیل در هرات و سلاح کوتاه و د پیوهای مهمات پنجشیر، سلاح های شیر علم، زلمی طوفان و سیاف و... را چه وقت جمع اوری کردند؟ آیا همین قوماندانانی که در قعطات نظامی به پروسه ی دی دی آر پیوستند، ۲۰ در صد سلاح خود را تحویل داده اند؟ آیا ۸۰ در صد آنها را برای روز مبادا نگهداری نکرده اند و آیا با همین سلاحها همین امروز غارت و چپاول نمی کنند؟ انتقال این مقدار مواد مخدر به خارج از کشور، درگیری ها، راه گیری ها، اختطاف ها و قتل در شهرها حتی در پایتخت با کدام سلاح صورت می گیرند؟.

قوماندانان در بدخشان، عطا در مزار، حضرت علی و حاجی دین محمد در ننگرهار، ملاشیر محمد و عبدالرحمن جان در هلمند، قاضی کبیر و بشیر چاه آبی در تخار، مطلب بیگ و پیرام قل در کندز، قوماندان

سلام درغور،، نیروهای امان الله درشیندند، اسماعیل درهرات، انجنیر غفار درننگرهار، قسیم جنگل باغ و امان الله گذر در شمالی، جبهات عبدالحی درنهرین، بشیر بغلانی در بغلان، سلاح و مهماتی سرپل و میمنه، پادشاه خان زدران در گردیز، کشمیر در کنر و .. خلع سلاح شده اند؟ در جریان ۲۵ سال جنگ بیشتر از سه و نیم میلیون میل سلاح خفیف و ثقیل از چهار گوشه دنیا وارد کشور شده است و این در حالی است که ورود سلاح از پاکستان توسط طالبان و حزب اسلامی کماکان ادامه داشته هر روز بر انبار سلاح و مهمات در کشور ما افزوده می گردد.

همچنان از ده ها ناظر و گزارشگری که تراژدی بازگشت ناامنی و دهشت به کشور را باز گو کرده اند می توان به روایت خبرنگار اعزامی روزنامه انگلیسی گاردین از میدین جنگ اشاره کرد. او می نویسد: اغلب شهروندان افغان در گفت و گوی شان تأکید کردند که «دولت های آمریکا و بریتانیا در عراق و افغانستان مرتکب اشتباه های زیادی شده و دروغ های هماهنگی گفته اند.» این گزارشگر از افول انگیزه جنگ در اردوی متحدین خیر می دهد و این که دور جدید حملات طالبان بر پایه ترس فزاینده افسران و سربازان اروپایی و آمریکایی طراحی شده است. به نوشته گاردین ناتو بر آورد کرده است که حدود ۶ هزار تا ۸ هزار عضو طالبان، در داخل افغانستان فعالیت دارند، اما کسی به درستی نمی داند که چه تعداد دیگر، در انتظار ورود به افغانستان هستند. گاردین سپس به عملکرد ضعیف و پر اشتباه فرانسه، آلمان و کانادا در جبهه های استراتژیکی مانند قندوز، ارزگان و قندهار اشاره می کند، از کارنامه هشت هزار نیروی بریتانیایی بویژه در ولایت هلمند به عنوان يك فاجعه یاد می کند. نیروهای آمریکایی هم که در شرق افغانستان مستقر هستند، به یکی از جبهه نفوذ پذیر و شکننده جنگ تبدیل شده اند. نویسنده این روزنامه بریتانیایی در نتیجه گیری خویش تأکید می کند که دامنه شکست اکنون فقط دامن سران امریکا و انگلیس را نگرفته است بلکه مأموریت جنگ را در افغانستان آزمونی برای ناتو می شمارد. آزمونی که همه رقیبان ناتو از روسیه تا چین به نتیجه آن چشم دوخته اند. حال در این شرایط می توان به عواقب مذاکره جبهه ائتلاف با طالبان اندیشید.

از این نگاه روشن است که مذاکره با طالبان هدفی جز فراقنی یا فرار از عراقیزه کردن بحران افغانستان ندارد. حتی از اصراری که آمریکایی ها بر پیگیری این طرح دارند می توان این نکته را استنباط کرد که آنها به تعبیر تحلیلگران این کشور نمی خواهند « فرصت مقتضی » برای مذاکره با شبه نظامیان شورشی همانند عراق فوت شود. به هر تقدیر بهره طالبان از این اعترافنامه فقط يك پیروزی نظامی نیست بلکه این گروه با این تصمیم به قول کرزی به يك توفیق مهم سیاسی دست می یابند.

این توفیق را بویژه سازمان ملل ارزانی این گروه کرده است. ورود تمام عیار این نهاد به مذاکره با طالبان این مفهوم خطرناک را دارد که موجودیت این گروه به رسمیت شناخته شده است. جالب است که سازمان ملل نیز منتظر تصمیم کابل نمانده است. درین ادوار، سخنگوی سازمان ملل متحد با اعلام این موضوع می گوید: هم اکنون گفت وگو میان مقام های محلی و طالبان در ولسوالی موسی قلعه ولایت هلمند جریان دارد.

مردم افغانستان و جامعه جهانی که هر کدام به نحوی از حاکمیت سیاه طالبان بر کابل آسیب دیدند در اجماع خویش برای روی کار آوردن دولت کرزی، یک هدف مقدس کرده اند و آن نجات کشور از چنگ افراطیون و زدودن رسوبات افراطی گری از این سرزمین است، افراطی گری که نماد آن طالبان بوده وهست. عجیب ترین معمای ذهنی مردم رنجور پس از شنیدن خبر تلاش حکومت کابل برای سازش با طالبان این بود که چگونه دولتی که با رسالت طرد و مهار این جریان افراطی هویت یافت و بر قدرت تکیه زد و خود جاده بازگشت آنها را هموار میکند. تا به امروز جلوگیری از بازگشت طالبان در منشور حکومت افغانستان سرلوحه همه هدف ها بود و چندان جای تعجب نیست که برخی محافل کشور در شنیدن خبر سازش با طالبان گفتند که کابل عهد بزرگ خود با جامعه بین المللی و مردم را شکسته است.

سازش با طالبان نقض همه غرض و مقصودی است که از سال ها جنگ، مردان کابل و طرف های بین المللی در این سرزمین داشته اند و گریبان آنها در چنگ این سؤال است که برآستی اگر قرار بود با طالبان از در آشتی وارد شوند پس چه نیازی به این همه جنگ و آوارگی بود و اساساً چه نیازی به حضور این همه نیروی بین المللی و اشغال خونین افغانستان. همه گردانندگان این جنگ که تاکنون نزدیک هزارها کشته و زخمی در برداشته است. ناگزیر باید به این سؤال پاسخ دهند. در میان مردان کابل تاکنون مصالحه ملی و آشتی ملی دارای ابعاد و چهارچوبی روشن بوده است. همه کس در آزادی این سرزمین از چنگ طالبان در پی آشتی ملی و تفاهم بودند اما همه سخن ها در باب تفاهم به این نکته ختم می شد که جنایتکاران و کسانی که هم اندیشه ترور و نفرت قومی را پراکنده اند و دست شان به خون مردم بی گناه آلوده است از گردونه عفو و آشتی بیرون بمانند و باید در محاکم این کشور به سزای اعمال شان برسند.

در جلسه اخیر کمیسیون روابط خارجی سنا که با ریاست جان کری برگزار شد، ریچارد لوگار جمهوری خواه از ایندیانا، اظهار داشت که اهداف جنگ امریکا "مشخص نیست" و نیز ریچارد هالبروک، فرستاده خاص دولت اوباما در افغانستان و پاکستان، تصریح کرد در حالی که "علائم مشخصی از حرکت رو به جلو در بسیاری از حوزه ها" داریم، وی هنوز "نقطه عطف مشخصی را در هیچ راستایی" ندیده است.

در اولین دیدار جان کری با حامد کرزی انجام شد، کری اظهار داشت که کرزی نکاتی را خاطرنشان ساخته که می‌خواهد امریکا به آن توجه کند از جمله کم رنگ کردن نقش امریکایی‌ها در کشور و تقبل نکردن برنامه‌ها و کارهای موسساتی که خود دولت افغانستان از پس آن بر می‌آید و از همه مهم‌تر وی بر نگرانی خود از دخالت پاکستان در افغانستان تاکید کرد. طی بیانیه منتشر شده از سوی دولت آمده است که کرزی به تازگی نامه‌ای خطاب به بارک اوباما، رئیس جمهور امریکا نوشته است و اظهار داشته که ستراتیژی جنگ در افغانستان نیاز به بازنگری دارد. کرزی در این نامه بدون هیچ اشاره‌ای به پاکستان نوشت: فقط جنگ را در خانه‌ها و دهکده‌های افغانستان دنبال نکنیم و نیاز است بیشتر بر روی ریشه‌ها و پناهگاه‌های تروریسم خارج از افغانستان متمرکز شویم.

کری تصریح کرد که دولت امریکا در نگرانی‌های کرزی از شورشیانی که حملاتی را در مرز پاکستان هدایت می‌کنند سهیم است. ببینید ما هنوز هم در حال سرکوب و رویارویی با تهدیدهای افرادی هستیم که در سال دوهزارویک به ما حمله کردند و ما هنوز هم می‌دانیم که آنها آنجا حضور دارند - برخی از آنان در افغانستان، بیشتر آنها در غرب پاکستان و تا آنجا که اطلاع داریم برخی از آنها در شبه جزیره عرب و افریقا - و آنها به تهدیدهای خود ادامه می‌دهند و شما نمی‌توانید از آن به سادگی بگذرید و بنابراین به همین علت است که ما اینجا هستیم.

که در گلزار ما این فتنه کرده ؟

به هر شاخه ی گل غم خانه کرده ؟

چرا در هر نسیمی بوی خونست؟

چرا زلف بنفشه سر نگو نست؟

چرا سر برده نرگس در گریبان؟

چرا بنشسته قمری چون غریبان؟

چرا پروا نگان را پر شکسته ؟

چرا در گوشه ی تنها نشسته ؟

چرا مطرب نمی خواند سرودی؟

چرا ساقی نمی گوید د رودی؟

چرا در دها رهی ها مون گرفته ؟

چرا این دشت خاکش خون گرفته ؟

چرا خورشید درین خانه فروخت؟

بهار آمد، گل نوز نشکفت ؟
مگر خورشید و گل را کس چه گفتست؟
که این لب بسته و آن رخ نهفتست؟
مگر گل نو عروس، شوی مرده ؟
که روی از سوگ غم در پرده برده ؟
چرا خورشید در سوگ زمینست؟
چرا از خون یاران شرمگینست؟
بهاران دا من افشان شو، زگلهایت
مزار کشتگان را غرق گل کن
بهاران تلخ منشین، خیزوپیش آی،
گره وا کن زابروچهره بگشای
بهاران خیزوز ای ابر سبکروی
بریز آبی به روی سبزه و جوی
سرو رویی به سرو و یا سمن بخش
نوایی نو به مرغان چمن بخش. (؟؟؟)

کاپی به تمام نشریه های که به دموکراسی و آزادی عقیده و بیان ایمان دارند.

www.esalat.org